

مشکل دو تیم
مشکل دولت وحدت ملی نیست

ماهیت و ضرورت دولت وحدت ملی نباید با روش مجریان آن خلط گردد. دولت‌ها نمی‌توانند در بحران عمر کنند. این روزها، صداهایی مبنی بر ناکارآمدی و حتی ناکامی دولت وحدت ملی بلند می‌باشد؛ این که در صد روز نخست دولت تازه ثمره‌ی نداشت و با گذشت هر روز مردم دیگر آن امیدواری اولیه را ندارند.

معلول‌ها هرچه باشند درست اند، اما علت‌ها را نباید آدرس غلط داد تا در چاره‌اندیشی به خطا نرویم.

نکاتی در این باب قابل دقت می‌باشند، تا در روشنی آن اوضاع را بهتر ارزیابی نموده و قضاوت درست نماییم.

بعد از توافق هر دو کاندیدا مبنی بر ایجاد دولت وحدت ملی، تا هنوز چارچوب دولت...

ادامه صفحه ۶

آرزوی نخست!

صد روز تداوم بی‌تحول



صفحه ۶

کابینه چهارشنبه به مجلس معرفی می‌شود



بسیج کردن مردم این‌ها را خواهیم داشت.

نهادهای جامعه مدنی به حکومت وحدت ملی هشدار داد که اگر به‌خاطر عملی ساختن تعهدات خود اقدامات جدی را انجام ندهد آنان دست به تظاهرات خواهند زد.

روز یکشنبه گفت که حکومت وحدت ملی باید تعهدات خود را عملی کند. او گفت: «صد روز تقریباً مساوی است به شش درصد کل زمان این حکومت؛ اما متأسفانه در شش درصد زمان کل حکومت، کدام دست‌آورد بسیار زیاد قابل ملاحظه ندیده‌ایم به جز وعده‌هایی که داده شده.»

او افزود، یگانه دست‌آورد این حکومت جلب امیدواری‌های مردم و سر و صداها برای مبارزه با فساد اداری بوده است.

حمیرا قادری یک عضو دیگر جامعه مدنی گفت:

«جامعه مدنی، ملت و همه ما به نحوی می‌دانیم که جنگ بر سر افراد متخصص نیست، جنگ بر سر سیاست و تقسیم کردن قدرت به‌صورت مساویانه و گاهی غیر مساویانه است. اما من مطمئن هستم که امیدواری و سکوت ما از این بیشتر به درازا نخواهد کشید و با حرکت‌های مدنی و با

نامزدوزرای کابینه حکومت وحدت ملی، روز چهارشنبه هفته جاری به مجلس نمایندگان معرفی می‌شوند.

یک منبع در ارگ ریاست‌جمهوری می‌گوید که روز یکشنبه در این زمینه مذاکراتی صورت گرفته است.

این منبع به رادیوی آزادی گفته که گمان می‌رود رئیس‌جمهور غنی با افرادی که به حیث نامزدوزیر تعیین گردیده‌اند، به روزهای دوشنبه و سه‌شنبه به‌گونه جداگانه ملاقات نماید و سپس آنان را به مجلس معرفی کند.

تاخیر در معرفی کابینه، انتقادهای تند شورای ملی، نهادهای جامعه مدنی و شهروندان کشور را برانگیخته است.

شماری از اعضای نهادهای جامعه مدنی، حکومت وحدت ملی را متهم ساختند که در بیشتر از سه ماه هیچ کار مهمی را انجام نداده است.

اعضای این نهادها می‌گویند که رهبران حکومت وحدت ملی به‌جای انجام کار در پی قدرت‌طلبی هستند و تا حالا به

بهبتر ساختن وضعیت زنده‌گی مردم توجه نکرده‌اند.

باری سلام به نماینده‌گی از اعضای نهادهای جامعه مدنی

دکتر عزیزالله لودین در گذشت



عزیزالله لودین، از شخصیت‌های سیاسی کشور، روز یکشنبه ۱۴ جدی در ایالات متحده آمریکا درگذشت.

آقای لودین از بیماری قلبی رنج می‌برد و بر اثر این بیماری درگذشته است.

دکتر لودین از... ادامه صفحه ۶

صد روزی که در سفر گذشت!

ناجیه نوری



به چین کمک آن کشور به روند صلح در افغانستان بود؛ خواستی که برای اولین بار با استقبال روشن دولت چین مواجه شد.

شی جین پینگ از آماده‌گی کشور چین برای همکاری در روند صلح افغانستان و نقش آن کشور در بهبود روابط افغانستان و پاکستان ستایش کرد.

رئیس جمهور شی جینگ پینگ گفت که در پروسه استانبول از تمام طرف‌ها خواهد خواست تا افغانستان را هم‌کاری نمایند و سازمان هم‌کاری‌های شانگهای را نیز تشویق خواهد کرد تا تمرکزشان را در کمک به افغانستان بیش‌تر کنند....

ادامه صفحه ۷

از تشکیل حکومت وحدت ملی ۱۰۰ روز گذشت. در این صد روز، رهبران دولت وحدت ملی به ویژه رئیس‌جمهوری، در سفرهای خارجی مصروف بودند.

پس از جنجال‌های انتخابات و برگزاری مراسم تحلیف، محمد اشرف غنی اولین سفر رسمی خود را به کشور عربستان سعودی انجام داد. اهمیت این سفر غنی را می‌توان به ابعاد اهمیت عربستان سعودی برای افغانستان مرتبط دانست.

غنی در این سفر ضمن ادای حیح عمره، با مقام‌های عربستان در پیوند به تأمین صلح در افغانستان گفت‌وگو کرد. این سفر از آن‌جا که عربستان سعودی حامی گذشته و حال طالبان بوده و این کشور می‌تواند در مورد مذاکرات افغانستان با طالبان و پاکستان موثر باشد، با اهمیت خوانده شده است.

و اما دکتر غنی در اولین سفر رسمی بین‌المللی خویش برای دیداری سه‌روزه به چین رفت و در این کشور، چهار توافق‌نامه همکاری را در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی به امضا رسانید.

یکی از خواسته‌های و دلایل سفر رئیس‌جمهوری افغانستان

در برگ‌ها

گره کور
تشکیل
کابینه

فریدمن،
لوکاس
و افسانه
کارآمدی بازار
آزاد

ابوالمعانی
بیدل
«فیلسوف
زمان»

اعتراف انگلیس از
جنگ افغانستان:
۱۸۶ غیرنظامی را
کشته
و ۴ هزارخانه را
ویران کردیم



علی پارسا

گره کور تشکیل کابینه



سخن ماندگار

صد روز کامیابی

یا صد روز ناکامی؟

صد روز نخست دولت وحدت ملی به پایان رسید. صد روزی که توام بود با وعده‌ها و وعیدهای گوناگون. بیشتر رسانه‌های کشور به دلیل اهمیت صد روز نخست، برنامه‌های ویژه در این مورد نشر کردند. اما واقعاً صد روز نخست دولت وحدت ملی، اهمیت آنچنانی داشت؟ و آیا این دولت توانست در صد روز نخست به میزان قابل توجهی حمایت مردمی را از برنامه‌های خود به دست آورد؟ لازمه پاسخ به این دو پرسش کلیدی، تأمل در کارکرد صدروزه دولت وحدت ملی است؛ دولتی که در نتیجه بن بست انتخابات به وجود آمد و مأموریت آن، ایجاد «اصلاحات» و «تحول» گسترده در تمام ساحات زنده‌گی جامعه عنوان شد. رهبران دولت وحدت ملی از نخستین روزها وعده سپردند که در امر تعمیق اصلاحات در نظام از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نخواهند ورزید. اما صد روز نخست این دولت نشان می‌دهد که هنوز موانع و چالش‌های فراوانی در مقابل آن قرار دارد.

دولت وحدت ملی از آغاز با مشکلات روبه‌رو بود، آن‌هم به این دلیل که میراث خطرناکی را از دولت پیشین روی شانه‌های خود داشت. مهم‌ترین هدفی که در برابر دولت وحدت ملی قرار داشت، برداشتن موانعی بود که با سخت‌جانی پذیرای اصلاحات نبودند. ساختار به شدت مافیایی شده نظام کشور چیزی نبود که بتوان در صد روز نخست آن را به نظامی پاسخ‌گو و متناسب با مطالبات مردم تبدیل کرد. دولت وحدت ملی به هر سو که نگاه می‌کرد، با کوهی از مشکلات مواجه می‌شد.

در صد روز نخست، دولت وحدت ملی دو کار مهم را به انجام رساند: نخست به صورت فوری به امضای پیمان‌های امنیتی با آمریکا و ناتو همت گماشت که از ماه‌ها به این سو به جنجالی بزرگ در مناسبات افغانستان با متحدان بین‌المللی آن تبدیل شده بود؛ دوم، جلب توجه جامعه جهانی به افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ و تدوین استراتژی مبارزه با ناامنی‌ها در نبود نیروهای خارجی. در این دو عرصه دولت وحدت ملی با موفقیت عمل کرد، اما هنوز نتوانسته از آن‌ها به گونه شایسته به سود منافع ملی کشور بهره‌برداری کند.

وقتی پیمان‌های امنیتی به امضا رسید، بسیاری فکر می‌کردند که روزنه تازه‌یی به سوی ثبات و تأمین امنیت برداشته شده است. اما با گذشت بیشتر از سه ماه، هنوز افغانستان با مشکلات امنیتی فراوانی به ویژه از ناحیه مداخلات خارجی روبه‌روست. انتقال مسوولیت‌های امنیتی نیز که با پایان مأموریت جنگی ناتو موفقانه انجام پذیرفت، مرحله تازه‌یی از مأموریت جنگی را برای نیروهای کشور به میان آورد. نیروهایی که به باور بسیاری از آگاهان، در ده سال اخیر به میزانی که بتوانند به تنهایی از عهده مأموریت نظامی بیرون شوند، تجهیز و تمویل نشده‌اند. این پرسش هم چنان پابرجاست که چرا جامعه جهانی با وجود تعهد متقابل در مورد تجهیز نیروهای افغانستان، به این تعهد خود عمل نکرد؟ آیا در این خصوص مشکلاتی در ساختارهای امنیتی کشور وجود داشته و یا این که دولت نتوانسته به صورت دقیق طرح امنیتی خود را به متحدان بین‌المللی افغانستان ارایه کند؟ در عرصه جلب کمک‌های جهانی نیز دولت وحدت ملی گام‌های بلندی برداشته است. مهم‌ترین گامی که در این عرصه برداشته شده، برگزاری کنفرانس لندن در ماه دسامبر سال گذشته بود. جامعه جهانی تعهداتی را که قبلاً برای افغانستان داده بود، در این کنفرانس تازه کرد، اما فراتر از آن گام آنچنانی برداشت. بر اساس گزارش‌های موجود از نهادهای اقتصادی کشور، دولت در پرداخت حقوق کارمندان خود، بارها از جامعه جهانی طلب کمک شده اما پاسخ دقیق دریافت نکرده است.

موضوع دیگری که در صد روز نخست توجه همه‌گانی را برانگیخت، بحث صلح بود. آقای اشرف غنی با سفر به عربستان، چین و پاکستان تلاش کرد که رویکرد متفاوتی را در رابطه با گفت‌وگوهای صلح از خود نشان دهد، ولی این تلاش‌ها از آغاز چندان مقرون به موفقیت نبوده و حالا نیز پس از گذشت صد روز از کارکرد دولت وحدت ملی، با قاطعیت می‌توان گفت که رییس‌جمهوری همان راهی را می‌پیماید که پیش از او حامد کرزی رفته بود و به هیچ نتیجه مشخص و قابل توجهی در عرصه تأمین امنیت و صلح نرسید.

اما بزرگترین ناکامی دولت وحدت ملی، خود را در ایجاد کابینه برجسته کرد. رهبران دولت وحدت ملی که در آغاز روزهای کاری خود گفته بودند که ظرف چهل و پنج روز کابینه جدید، کارا و متخصص را معرفی خواهند کرد، حالا پس از گذشت صد روز موفق به عملی کردن آن نشده‌اند. اگر گفته شود که این موضوع اصلی‌ترین ضربه را به باور و اعتماد مردم به این دولت وارد کرد، حرفی به گزاف گفته نشده است. هر بار رهبران دولت وحدت ملی، موعدی را که برای معرفی کابینه اعلام کردند، نتوانستند عملی کنند و سرانجام هم با حرف‌های داکتر عبدالله رییس اجرائیه مشخص شد که گره کور تشکیل کابینه در دست‌های رییس‌جمهوری است.

آقای عبدالله هرچند به گونه واضح از موانع سخن نگفت، ولی بسیاری از نزدیکان او باور دارند که مشکل اصلی تشکیل کابینه را مانع‌تراشی‌های رییس‌جمهوری رقم زده است. به گفته شماری از آگاهان، آقای غنی با تعلق در گزینش افراد کابینه، می‌خواهد بر مشکلاتی که با تیم خود در این مورد پیدا کرده است، پرده بیندازد. به گفته این آگاهان، آقای غنی با موانع گسترده در درون تیم خود در مورد گزینش افراد مواجه است و نمی‌تواند به نتیجه‌یی که او در پی آن است، دست پیدا کند. به هر حال، صد روز نخست نشان داد که دولت وحدت ملی تا رسیدن به ثبات و یکدستی، هنوز با چالش‌های زیادی روبه‌روست و نمی‌توان به‌زودی انتظار تغییر و دگرگونی را از آن داشت.

صد روز گذشت. در این صد روز یأس‌های بسیاری به امید، و امیدهای بسیاری به یأس بدل شد. در این صد روز یا به عبارتی شش درصد از عمر حکومت وحدت ملی، اتفاقات بسیاری افتاد که کوره پارادوکس امید و یأس را داغ‌تر می‌کند. این که در اولین روزهای کار حکومت وحدت ملی پیمان امنیتی امضا می‌شود، پرونده کابل‌بانک به عنوان بزرگ‌ترین فساد مالی کشور باز می‌گردد،

برخی از مقامات حکومتی به سرعت تعیین و تبدیل می‌شوند، هیأت‌های بلندپایه برای بهبود اوضاع امنیتی و اقتصادی افغانستان به کشورهای مختلف می‌روند و... همه و همه چراغ‌های امید می‌اند که هرچند کم‌سو اما خانه دل‌های مردم را روشن نگاه می‌دارند. ولی در آن‌سوی این رویاهای شیرین، کابوس‌های تلخی هم هست که به‌جای نوید فردهای خوش، مردم را در حسرت داشته‌ها و نداشته‌های ۱۳ سال گذشته می‌سوزاند؛

نامنی و بی‌کاری و سردرگمی همان درد دیروزی‌ست که مردم به امید پایان یافتن آن، در انتخابات گذشته به پای «صندوق‌های مرگ» رفتند و به حاکمان امروزشان رای دادند و امروز اما همان درد است و همان ناله! تأسیس حکومت وحدت ملی هرچند برای بسیاری، سازه موثری برای عبور از بن‌بست قدرت شمرده می‌شد، اما واقعیت این است که این سنتز جدید هم تنها راه فراری برای گریز از بحران بود و نه راه‌حل آن. به همین ترتیب است که بعد از گذشت قریب به صد روز، هنوز هم مسأله در جای خود باقی‌ست. آنچه امروز در قالب «بن‌بست کابینه» دیده می‌شود، چیزی جز برآیند این مسأله نیست؛ چه بسا این که شکی نیست که جدال قدرت در حکومت وحدت ملی در طول پنج سال آینده در قالب‌ها و چهره‌های دیگری خودنمایی می‌کند.

با این اوصاف، اشتباهی بیش نخواهد بود اگر بخواهیم بن‌بستی را که امروز در تشکیل کابینه حکومت وحدت ملی رونما شده، در اکنونیت این حکومت بررسی کنیم. اگر نخواهیم این جنجال را به سرچشمه‌های تاریخی مسأله قدرت در افغانستان وصل کنیم، حداقل باید قبول کرد که نمی‌شود آن را صرفاً به فعلیت حکومت حاضر تقلیل داد. باید خاضعانه پذیرفت که «این قصه سر دراز دارد!»

وقتی از بیرون دیده شود، شاید جدال بر سر نامزدوزرای حکومت وحدت ملی، چیزی جز

جدال بین دو تیم رقیب دیروز و رفیق امروز نباشد؛ چیزی که امروز لقلقه زبان‌هاست. با وجود این و با درک این که حکومت وحدت ملی به عنوان پدیده‌یی نوظهور بدون شک حامل و محمل چالش‌های بی‌شماری است، اما شاید همه ما چرا به این‌جا خلاصه نشود. شاید ریشه‌های این بن‌بست در داریستی باشد که سال پیش و یا سال‌های پیش شکل گرفته است.

داکتر عبدالله، رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی به‌صراحت اعلان کرده که از سوی او هیچ مشکلی برای معرفی نامزدوزرا وجود ندارد و تمام نامزدوزرای مربوط به جریان اصلاحات و همگرایی از مدت‌ها پیش معرفی شده‌اند. از فهرست‌های تأییدشده‌یی هم که تا به حال بیرون داده شده‌اند هم درستی این اظهارات برمی‌آید. پس، شاید توپ در نیمه دیگر زمین باشد! رییس‌جمهور غنی، هرچند بارها از اعلان زودهنگام کابینه خبر داده است، اما به نظر می‌رسد که تا هنوز در گزینش چهره‌های اصلی برای معرفی به عنوان نامزدوزیر از تیمش، اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. بر اساس گفته‌های تأییدناشده، هنوز هم میان رییس‌جمهور و معاونین وی و بسیاری از احزاب و شخصیت‌های کلیدی این تیم، برای معرفی نامزدوزرا شکاف‌های عمیقی وجود دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که بن‌بست معرفی کابینه، بیشتر از این که معلول اختلافات میان‌تیمی باشد، ریشه در ناهماهنگی‌های درون‌تیمی دارد.

همه می‌دانند که ائتلاف‌ها و اتحادهای انتخاباتی دیروز، تنها و تنها بر اساس منافع فردی و تیمی افراد بوده است. با این وصف، برخلاف انتخابات‌های حزبی در کشورهای توسعه‌یافته که مبتنی بر اصول مشخص و منافع درازمدت گروه‌هاست، شالوده این انتخابات را وعده و وعیدهای دهان‌پرکنی تشکیل داده که امروز به کشمکش‌های درون‌تیمی انجامیده است. این وعده‌ها و پیمان‌ها در هر تیمی که بیشتر نفوذ کرد، عرصه را برای ناهمگونی آن فراخ‌تر کرد. آنچه که امروز دیده می‌شود هم چیزی جز برآیند همین ناهمگونی‌های مشکل‌ساز زیر چتر تیم دیروز رییس‌جمهور غنی نیست.

در حلقه یاران و هم‌پیمانان رییس‌جمهور غنی، افراد و گروه‌هایی جمع شده‌اند که حتا در حکومت تحول و تداوم هم به‌سختی قابل جمع می‌بودند، چه رسد به حکومت وحدت

ملی! این ناهمگونی درونی بدون شک همان آفتی خواهد بود که در طول این پنج سال بارها بر مزرعه رییس‌جمهور غنی خواهد زد. رییس‌جمهور غنی در طول این صد روز به‌خوبی نشان داده که حداقل در صدور فرمان و تعیین ضرب‌الاجل دست باز و پای محکمی دارد. هرچند که فرمان‌ها و ضرب‌الاجل‌هایش تا کنون چندان هم با قاطعیت جامه عمل نپوشیده، اما به نظر می‌رسد که او برای مدیریت اوضاع کشوری، حکومتی و تیمی خود تلاش خواهد کرد که از یک سو با تسامح و از سوی دیگر با قاطعیت برخورد کند. به نظر می‌رسد که تأخیر بیش از حد در اعلان کابینه هم همان فاز نخست تلاش‌های وی برای جلب قناعت و رضایت هر یک از طرف‌های مدعی در تیمش است. با این وجود اما به نظر می‌رسد که تا کنون در این عرصه چندان موفق نبوده است. راهکار دوم رییس‌جمهور غنی، توسل به بُعد دیگر شخصیتی‌اش است که او را فردی قاطع و بی‌مدارا نشان می‌دهد. این بُعد از شخصیت او را می‌توان در برکناری‌های خبرساز هفته گذشته او در هرات به‌خوبی مشاهده کرد.

در پیش گرفتن مشی جدی و قاطعانه هرچند می‌تواند راه‌حل مناسبی برای عبور از بن‌بست کابینه باشد، اما هیچ گرهی از دشواری‌های حکومت وحدت ملی باز نمی‌کند. این‌گونه تنش‌ها و جنجال‌ها برای تقسیم قدرت در میان اطرافیان رییس‌جمهور، از زمانی آب می‌خورد که گروه‌های ناهمگون سیاسی برای شریک شدن در قدرت، با وعده‌ها و وعیدهای بسیار زیر یک چتر واحد درآمدند. با درنظر داشت این وعده‌ها و عهد‌ها، شکل‌گیری حکومت وحدت ملی و تقسیم قدرت، بزرگ‌ترین آفتی بود که می‌توانست نقشه‌های بسیاری از این گروه‌های سیاسی را نقش بر آب کند.

حالا رییس‌جمهور غنی برای معرفی کابینه و تصامیم کلان بعدی خود، دو راه‌حل بیش نخواهد داشت: یا با گروه‌های مختلف اطراف خود از تسامح و تساهل کار بگیرد و بدون توجه به بحران‌هایی که می‌تواند فراراه ملت باشد، مانند سلف خود، مشی «تسامح» را به‌کار گیرد؛ و یا هم با عزم راسخ و قاطع، در راستای منافع مردم گام‌های عملی و موثر بردارد که البته این بدین معناست که نمی‌توان در آن واحد کاری کرد که «هم لعل به دست آید و هم دل یار نرنجد!»

شبکه دویچه وله

سرانجام قدرت در عربستان



چندانی به دست نیآورده‌اند اما این تنها بخشی از مشکل است. از سوی دیگر لزوم به دست آمدن اتفاق نظر نیز به نوبه خود این فرآیند را آهسته‌تر می‌کند. ممکن است عربستان یک حکومت سلطنتی مطلق باشد اما این به معنی آن است که هنگامی که مهم‌ترین تصمیم‌ها گرفته می‌شوند باید پای خاندان سلطنتی در میان بوده و اکثر شاهزاده‌ها توافق داشته باشند. رسیدن به این توافق در خاندان سلطنتی که متشکل از صدها عضو و چندین شاخه است هرچه بیشتر دشوار می‌شود. هنوز مشخص نیست که کدام‌یک از نوه‌های ملک عبدالعزیز نخستین کسی خواهد بود که به تاج و تخت می‌رسد. رهبران سیاسی عربستان در حال پیرتر شدن هستند در حالی که این کشور یکی از کشورهای نسبتاً جوان جهان است و دوسوم از جمعیت عربستان ۲۵ ساله و یا کمتر از آن سن دارند. عربستان در جریان تحولات موسوم به بهار عربی سکوت در پیش گرفت. حکومت سلطنتی عربستان به لطف ثروت عظیم نفت این کشور توانست رفاه مردم را تضمین کند. با این حال تنش‌هایی در داخل این جامعه وجود دارد که قابل چشم‌پوشی نیستند از جمله تنش‌های مذهبی، تنش‌های مربوط به حقوق زنان و مشارکت سیاسی. بسیاری از این مشکلات از مدتی پیش در شبکه‌های اجتماعی به ویژه توسط نسل جوان عربستان مورد بحث قرار داشته‌اند. البته اینکه کدام‌یک از اعضای خاندان سلطنتی در آینده رهبری کشور عربستان را عهده‌دار شود نیز همچنان در حد حدس و گمان باقی مانده است.»

داشت. بسیاری از این پسران نظیر سلطان و نایف که ابتدا به عنوان جانشینان عبدالله تعیین شده بودند جان خود را از دست داده‌اند. اکنون مدتی است که نوه‌های بنیان‌گذار عربستان امید دارند که بتوانند تاج و تخت را به دست آورند. برخی از این نوه‌ها حتی از برخی از پسران کوچک‌تر ملک عبدالعزیز مسن‌ترند. تا به حال سابقه نداشته که تاج و تخت عربستان به یک نسل پایین‌تر به ارث برسد. خاندان سلطنتی آل سعود در حال حاضر بر سر این مساله دچار اختلاف است. چند باری نیز بر سر به دست آوردن قدرت نزاع پیش آمده است. چندین گروه تلاش کرده‌اند تا منافع خود را به پیش ببرند از جمله گروه معروف به «هفت سدیری». این گروه متشکل از هفت برادر شامل ملک فهد، سلطان و نایف است که همگی از یک مادر بوده و تا پیش از مرگ مادرشان از نفوذ ویژه‌ای برخوردار بودند. در سال ۲۰۰۷ ملک عبدالله یک کمیسیون جانشینی تشکیل داد تا تصمیم بگیرد چه کسی در صورت مرگ پادشاه و ولیعهد یا بیماری آن‌ها به تاج و تخت برسد. با این حال مشخص نیست که آیا این تصمیم سیاسی نیز به سرنوشت بسیاری از تصمیم‌های سیاسی دیگر در حکومت محافظه‌کار عربستان دچار نشود و این کمیسیون نیز بتواند به طور عملی ایفای نقش کند. از سوی دیگر در عربستان بحث زیادی بر سر حقوق زنان و دیگر مسائل به وجود آمده است. سرعت اصلاحات در عربستان به عنوان بزرگترین کشور منطقه خلیج فارس مشخصاً کند بوده است. بسیاری از این اصلاحات طی سالیان متوالی پیشرفت

ملک عبدالله یکی از پیرترین پادشاهان جهان است. او دو تن از برادرانش را به عنوان جانشینانش معرفی کرده اما آن‌ها نیز چندان جوان‌تر از او نیستند و در عین حال فرزندان این برادران امیدوارند تا بتوانند سرانجام در عربستان به تاج و تخت برسند.»
اخیراً ناظران منطقه خلیج فارس گوش‌هایشان را برای شنیدن ادامه این خبر تیز کردند: ملک عبدالله پادشاه عربستان روز چهارشنبه به منظور معالجه بیماری ذات الریه در بیمارستانی در شهر ریاض پایتخت این کشور پذیرش شده است.
مساله سلامت این پادشاه با به سن گذاشته عربستان که در این کشور از قدرت مطلق برخوردار است اهمیت زیادی نه فقط برای خود عربستان بلکه برای دیگر کشورهای جهان دارد.
موقعیت عربستان به عنوان بزرگترین صادرکننده نفت جهان و نقش این کشور در منازعات قدرت منطقه‌ای به معنی آن است که وضعیت ملک عبدالله از نزدیک در دیگر نقاط جهان پیگیری می‌شود. با این حال بیماری ملک عبدالله برای خاندان سلطنتی عربستان مساله‌ای مناقشه‌برانگیز به همراه دارد.
این مساله احتمال تغییر نسل در حکومت است. از زمان مرگ ملک عبدالعزیز، بنیان‌گذار کشور عربستان در سال ۱۹۵۳ همواره برادر پادشاه به منظور جانشینی او بر بزرگترین پسرش ارجحیت داشته است و تا زمانی که برادر پادشاه بتواند و بخواهد حکومت را در دست گیرد او ارجحیت خواهد داشت. در حال حاضر سن دقیق ملک عبدالله مشخص نشده است اما گمان برده می‌شود که او نزدیک به ۹۰ سال سن داشته باشد.
دو برادر وی یعنی شاهزاده سلمان و شاهزاده مقرن که به عنوان جانشینان او تعیین شده‌اند خودشان حدوداً ۸۰ و ۷۰ سال سن دارند. خاندان سلطنتی عربستان صدها عضو و چندین شاخه دارد. ملک عبدالله در سال ۲۰۰۵ رسماً تاج و تخت را از برادر ناتنی‌اش ملک فهد به ارث برد. با این حال ملک عبدالله پیش از مرگ ملک فهد به دلیل بیماری شدید او سال‌های متوالی و از زمان دهه ۱۹۹۰ به عنوان رهبر غیررسمی عربستان به حساب می‌آمد. ملک فهد و ملک عبدالله تنها دو پسر از مجموع بیش از ۴۰ پسری هستند که ملک عبدالعزیز از زنان متفاوت

مصر دارایی‌های قرض‌اوی و پسر مرسی را بلوکه کرد



منابع قضایی مصر از مصادره اموال یوسف قرضاوی، پسر محمد مرسی و چند تن از اعضای گروه اخوان المسلمین مصر خبر دادند.
به نوشته روزنامه فرانطقه‌ای الشرق الاوسط، عزت خمیس، معاون اول وزیر عدلیه مصر اعلام کرد که کمیته وابسته به وزارت عدلیه به منظور بررسی اموال سرمایه‌داران وابسته به گروه اخوان المسلمین اموال و دارایی‌های ۱۱۲ تن از اعضای ائتلاف حمایت از مشروعیت را مصادره کرده است. وی افزود: این افراد در شماری از وقایعی که مصر آن‌ها را مربوط به اقدامات تروریستی می‌داند دست داشتند.
همچنین یک منبع قضایی اعلام کرد: یوسف قرضاوی، پدر معنوی اخوان المسلمین مصر و رییس اتحادیه جهانی علمای مسلمین و نیز پسر محمد مرسی، رییس جمهوری برکنار شده مصر به همراه عمادالدین عبدالغفور، معاون اسبق مرسی و طارق الزمر، رییس حزب سازندگی و توسعه، شاخه سیاسی اخوان المسلمین از جمله افرادی هستند که اموال آن‌ها بلوکه شده است.

چوهدری نثار: محاکم نظامی مختص تروریست‌هاست



چوهدری نثارعلی خان وزیر داخله پاکستان می‌گوید: محاکم نظامی که در برابر مبارزه با تروریسم ساخته می‌شود، برای محاکمه کردن شخصیت‌های سیاسی نیست.
چوهدری نثارعلی خان گفته است که این محاکم برای کسانی ساخته می‌شود که در مساجد، بازارها، مکاتب حملات تروریستی می‌کنند و زنان و کودکان را می‌کشند. چوهدری نثار که در یک کنفرانس خبری سخن می‌گفت، افزود: «پالیسی که حکومت پاکستان در برابر مبارزه با تروریسم به راه انداخته از طرف تمام احزاب سیاسی این کشور مورد قبول است و حکومت پاکستان کوشش می‌کند تا تمام راه‌های تمویل تروریست‌ها را مسدود کند و علیه آنها گام‌های جدی بردارد.»
به گفته نثارعلی خان، محاکم نظامی که برای محاکمه تروریست‌ها ساخته می‌شود؛ برای دو سال است و این محاکم برای شخصیت‌های سیاسی، ژورنالیست‌ها، تجار و دیگر مردم عوام نیست.
او، گفت که حکومت پاکستان می‌خواهند علیه تبلیغات افراطی قیودات وضع نماید و تمام برنامه‌هایی را که در آن افراطیت و تروریسم تبلیغ می‌شود، مسدود نماید.
چوهدری نثار از تمام مطبوعات پاکستان خواست تا گفتارها، بیانی‌ها و تبلیغات تروریست‌ها را پخش نکنند و از نشر آن جلوگیری نمایند.
چوهدری نثارعلی خان در مورد مهاجرین افغانستان که در حال حاضر در این کشور زندگی می‌کنند نیز گفت: «برای مهاجرینی که برای پاکستان مشکل ایجاد نمی‌کنند؛ هیچ نوع مشکل نیست؛ ولی کسانی که در بین آنها خود را نهفته است و فعالیت‌های خلاف قانون می‌کنند، علیه شان گام‌های جدی برداشته خواهد شد.»

مفتی اعظم عربستان جشن میلاد حضرت محمد (ص) را «حرام» اعلام کرد



در حالی که اکثریت مسلمانان جهان به استقبال زادروز پیامبر اسلام (ص) رفته و جشن‌های گسترده‌ای به این منظور برگزار می‌کنند، مفتی اعظم عربستان این اقدام را «حرام» نامید!
شیخ عبدالعزیز الشیخ، مفتی اعظم عربستان سعودی اعلام کرده که جشن گرفتن به بهانه میلاد پیامبر اسلام (ص) گناه است. روزنامه سعودی عرب‌نیوز می‌نویسد که الشیخ چنین سستی را «خرافه» دانسته است.
شیخ عبدالعزیز الشیخ، در خطابه‌ی تاکید کرد که رسم جشن گرفتن برای تولد پیامبر اسلام (ص) در دوران صدر اسلام وجود نداشت و صحابه و جانشینان حضرت محمد (ص)، چنین کاری نمی‌کردند. الشیخ گفت هر کس که دیگران را به جشن گرفتن برای میلاد حضرت محمد (ص) ترغیب کند، «مفسد» است.
این در حالی است که مصر، از روز شنبه ۱۱ ربیع‌الاول به استقبال «میلاد النبی» رفته است. در عید میلاد، در سراسر مصر مردم به پخش شیرینی مشغول‌اند.
به گزارش دویچه‌وله، در سال جاری، میلاد پیامبر اسلام (ص) با جشن میلاد عیسی مسیح (ع) نزد مسیحیان قبطی مصر مصادف شده و سیاستمداران مصری با استفاده از تلاقی این دو مناسبت، شعار وحدت ملی سر داده‌اند.

احزاب هند سفر اوباما

به کشورشان را محکوم کردند

شش حزب از احزاب هند ۲۴ جنوری در اعتراض به سفر رئیس‌جمهوری امریکا به کشورشان تظاهرات می‌کنند.
روزنامه محلی «تریبیون» روز یکشنبه در گزارشی نوشت: این تظاهرات در اعتراض به «مداخله» امریکا در امور داخلی هند و همچنین در اعتراض به آنچه که این احزاب آنها را سیاست‌های حامی امریکای حزب حاکم بهاراتیا جاناتا می‌دانند، صورت می‌گیرد.
حزب کمونیست، مارکسیست‌ها و چهار حزب دیگر هند در بیانیه‌ای مشترک گفتند، دعوت دولت دهلی‌نو از باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا به عنوان مهمان اصلی در جشن «روز جمهوری» یک «کنایه بزرگ» محسوب می‌شود.
در ادامه این بیانیه آمده است: این روز که سمبل استقلال و تمامیت ارضی هند است، با حضور رئیس‌جمهوری کشوری که بیشترین اقدامات را برای تعرض و تخریب تمامیت ارضی بسیاری از کشورهای سراسر جهان انجام داده، «مزین» می‌شود.
در این بیانیه همچنین آمده است: باراک اوباما شخصاً مسئول تعرض به لیبی و بازگشت بمباران‌ها و اعزام مجدد نیرو به عراق است. امریکا هر کاری انجام می‌دهد تا سوریه را به عنوان یک کشور و موجودیت ملی تخریب کند.
دولت هند از باراک اوباما دعوت کرده تا ۲۶ جنوری سال جاری میلادی به عنوان مهمان اصلی این کشور در جشن «روز جمهوری» شرکت کند.



بخش چهارم و پایانی

فریدم، له کاس و افسانه

کارآمدی یا آزاد



احمد سیف

یکی از پیش‌نگری‌های لوکاس این بود که تغییرات احتمالی در متغیرهای پولی اگر اثری داشته باشد، تنها روی متغیرهای مالی است و بر سطح تولید و اشتغال اثری نخواهند داشت. به عبارت دیگر، لوکاس کوشید تا پیش‌گزاره «ختنا بودن» پول در سرمایه‌داری را «ثابت» کند. به ادعای لوکاس، اگر بانک مرکزی بخواهد عرضه پول را افزایش بدهد، عوامل اقتصادی از پیامدهایش باخبرند و در نتیجه طوری تصمیم‌گیری می‌کنند که بر اهداف مورد توجه بانک مرکزی اثر می‌گذارد و پیامد این نوع سیاست‌پردازی‌ها بسیار کم‌تر از آن است که دولت‌ها ادعا می‌کنند. البته واقعیت‌های زنده‌گی با این ادعای لوکاس همراه نبوده‌اند. در همان امریکا در طول ۱۹۸۲-۱۹۷۹ پاول واکر رییس فدرال رزرو کوشید با کنترل عرضه پول تورم را کنترل کند اگر آن‌گونه که لوکاس ادعا می‌کنند، کارگران و دیگران می‌دانند که قرار است چه اتفاق بیفتد و از آن مهم‌تر اگر تولید و اشتغال از این سیاست پولی تأثیر نمی‌گیرد، در آن صورت رکود ناشی از این سیاست‌ها و افزایش چشم‌گیر نرخ بی‌کاری در امریکا در نتیجه سیاست‌های واکر را چه‌گونه باید توضیح داد؟

باری پیش‌گزاره «بی‌اثر بودن سیاست‌پردازی» از سوی هم‌فکران لوکاس حوزه‌های دیگر را هم دربرگرفت. برای مثال کاهش مالیات برای ترغیب مصرف‌را در نظر بگیرد. چنین کاری در دیدگاه کینز به افزایش مصرف منجر می‌شود و می‌تواند به کاهش بی‌کاری منجر شود، ولی لوکاس و هم‌فکرانش بر این باورند که وقتی دولت به چنین کاری دست می‌زند، مردم می‌دانند دیر یا زود میزان مالیات افزایش می‌یابد و برای این‌که در پرداخت مالیات‌های بیشتر در آینده مشکل نداشته باشند، در شرایط فعلی بیش‌تر پس‌انداز می‌کنند. در نتیجه هدف دولت در افزایش مصرف به‌دست نمی‌آید.

از نظر لوکاس و به‌طور کلی در چارچوب پیش‌گزاره «انتظارات عقلایی» دولت یا ناتوان است و یا این‌که مداخله‌هایش بر

مشکلات اقتصادی می‌افزاید. اگر دولت به شیوه‌ی قابل پیش‌نگری دست به عمل بزند که این مداخله اثری ندارد و اگر به گونه‌ی غیرقابل پیش‌نگری مداخله کند که اقتصاد به دردمر بیشتر گرفتار می‌شود. دنیای اقتصادی لوکاس بر اساس یک الگوی آرمانی تعادل عمومی است که کنت ارو و ژرار دبرو صورت‌بندی شد و لوکاس مینا را بر این گذاشت که پیش‌شرط‌ها وجود دارند و تنها یک وضعیت تعادلی - تعادل عمومی - وجود دارد که به دست‌آمدنی است. با این پیش‌گزاره عرضه و تقاضا در اقتصاد با یکدیگر برابرند و نرخ بی‌کاری هم در سطحی است که فریدمن آن را «نرخ طبیعی» نام گذاشت.

اگرچه ارو و دبرو هرگز چنین ادعایی نکردند، ولی لوکاس و هم‌فکرانش مدعی شدند که الگوی اندکی اصلاح‌شده ارو و دبرو می‌تواند نشان‌دهنده دنیای واقعی هم باشد. چنین ادعایی با واقعیت‌های زنده‌گی اقتصادی تأیید نمی‌شود. در واقع لوکاس پیش‌گزاره «بازار کار» را به همه اقتصاد کلیل داد. اگرچه کسانی چون اوژین فاما پیش‌گزاره «بازار کار» را تنها برای بازار سهام و بازارهای مالی به‌کار می‌گرفتند، ولی ادعای لوکاس این است که همه بازارها این ویژه‌گی را دارند.

پیامدهای نظری الگوی «انتظارات عقلایی» بسیار بحث‌برانگیزند: - رکود اقتصادی و بی‌کاری گسترده «طبق تعریف» اتفاق نمی‌افتد.

- در اقتصاد لوکاسی بی‌کاری صرفاً یک «انتخاب» است. وقتی بی‌کاری وجود دارد، از نظر لوکاس این وضع نشانه آن است که کارگران بی‌کار «تصمیم» گرفته‌اند در سطح مزدی که در اقتصاد وجود دارد، کار نکنند.

- لوکاس الگویی از اقتصاد سرمایه‌داری به دست می‌دهد که فاقد طبقه سرمایه‌دار است. در اقتصاد ارو - دبرو و حالا لوکاس هیچ نوآوری‌یی صورت نمی‌گیرد. انحصار و وضعیت شبه‌انحصاری وجود ندارد. عوامل اقتصادی برای هر وضعیتی که ممکن است پیش بیاید، برنامه‌ریزی می‌کنند و در این نگرش به اقتصاد نه حباب‌های مالی شکل می‌گیرند و نه بحران

بانکی داریم و نه اقتصاد با «افول اعتباری» روبه‌رو می‌شود.

خلاصه کنیم. به نظر می‌رسد لوکاس و هم‌فکرانش یکی از دشوارترین مقوله‌های اقتصادی - مقوله اطلاعات پنهانی و عدم تقارن اطلاعاتی را با پیش‌گزاره حضور «اطلاعات کامل» در نزد عوامل اقتصادی از کل نظام «حذف» کرده‌اند. اگرچه در صفحات مجلات و کتاب‌ها چنین الگویی می‌تواند بسیار جذاب هم باشد، ولی در واقعیت زنده‌گی با چنین نگرش اتوپیا به مقوله‌های اقتصادی نمی‌توان مشکلات و مسایل اقتصادی را تخفیف داد. اجازه بدهید با چند مثال ساده اندکی درباره این مشکلات توضیح بدهم.

- در بازار کار کارفرما در مقایسه با متقاضیان کار درباره میزان مهارت و قابلیت‌های متقاضیان اطلاعات کم‌تری دارد.

- در بازارهای مالی وام‌دهنده‌گان در مقایسه با گیرنده‌گان وام درباره توانایی و تمایل متقاضی در بازپرداخت اصل و فرع وام اطلاعات کم‌تری دارند.

- در بازار بیمه‌های درمانی خریدار بیمه درباره سلامت خود اطلاعات بیش‌تری دارد تا بنگاهی که خدمات بیمه درمانی می‌فروشد.

اجازه بدهید این بازنگری را با روایت مختصری از بازدید الیزابت ملکه انگلستان از مدرسه اقتصاد لندن در سال ۲۰۰۹ تمام کنم. جزئیات این بازدید را به‌خاطر ندارم ولی شماری از بزرگ‌ترین اقتصاددانان انگلیسی و حتا چند تنی از برنده‌گان نوبل اقتصاد هم در زمان بازدید ملکه از مدرسه اقتصاد لندن حضور داشتند و از قرار موضوع جلسه هم بررسی بحران بزرگ ۲۰۰۸ بود. استادان حرف‌های خود را زدند و در بخشی از این جلسه هم ملکه انگلیس که هرچه باشد اقتصاددان نیست، پرسش ساده‌یی را مطرح کرد که از ساده‌گی زیاد ظاهراً به ذهن اساتید بزرگ نرسیده بود. او پرسید: «چه شد که هیچ‌کدام از شما فرا رسیدن این بحران بزرگ را پیش‌بینی نکردید؟»

بخور و نخورهای برای مهار فشار خون

فشار خون بالا، روزه‌روز شایع‌تر می‌شود و این روزها دغدغه بسیاری افراد است. دوا می‌تواند به تنظیم آن کمک کند، اما عوارض جانبی‌اش ریسکی‌ست که شاید خیلی‌ها نخواهند به سمت آن بروند. بهترین و سالم‌ترین راه‌ها، راه‌های طبیعی‌اند که در طولانی‌مدت فواید دیگری نیز برای سلامتی دارند.

علامت فشار خون بالا: سردرد، تنگی نفس، تار شدن دید و سرگیجه است؛ اما اکثر اوقات فشارخون بالا هیچ علامت و نشانه خاصی ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل است که به آن «قاتل خاموش» می‌گویند.

برای پایین آوردن فشارخون چه باید بخورید؟

نوشتید هر روزه شیر کم‌چرب کمک می‌کند فشارخون‌تان را تا ۱۰ درصد پایین بیاورد. شیر سرشار از ویتامین D و کلسیم است و در عین حال چربی کمی دارد. ویتامین D و کلسیم، برای پایین آوردن فشارخون خوب هستند.

مواد غذایی که سرشار از منیزیم هستند نیز برای پایین آوردن فشارخون مفیدند. مواد غذایی که منیزیم بالایی دارند، حبوبات (لوبیا، باقلی، لوبیای پلنگی)، گریپ‌فروت، بادام، سیب، پالک، جواری، غلات کامل، بروکلی، شیرسویا، حلزون، صدف و از این قبیل را شامل می‌شوند.

چاکلت تلخ نیز حاوی فلاونوئید است که به موجب پایین آوردن فشارخون سیستمی و هم‌چنین دیاستولی می‌شود.

مواد غذایی که سرشار از پتاسیم هستند مثل کیله. پالک، کدو، سویا، کشمش، آلو، زردآلو، کچالو، سمارق، میوه خشک مخلوط، دانه‌های بی‌نمک، بادنجان رومی و از این قبیل، به این دلیل که به بدن برای خلاص شدن از مایعات اضافی که قلب به آن نیاز ندارد کمک می‌کند، و این باعث می‌شود قلب نیاز به تپیدن سخت نداشته باشد، بنابراین به کاهش فشارخون هم کمک می‌کند.

مواد غذایی سرشار از فیبر مثل جو، میوه‌ها و سبزیجات نیز می‌تواند فشارخون‌تان را پایین بیاورد.

امگا ۳ هم یکی از موادی است که به پایین آوردن فشارخون معروف است و محتوی روغن ماهی حاوی مقدار قابل توجهی امگا ۳ است. ماهی سالم‌ترین نوع گوشت است، زیرا سرشار از پروتئین بوده و مقدار بسیار کمی چربی دارد. امگا ۳ التهاب را پایین آورده و از فشارخون جلوگیری می‌کند و هم‌چنین مواد مغذی لازمی که بیشتر افراد کمبود دارند را فراهم می‌کند.

سیر، کرفس، بادنجان، زردک و پیاز نیز راهی بسیار عالی برای پایین آوردن فشارخون است. بعضی گیاهانی که فشارخون را پایین می‌آورند عبارت‌اند از: ریشه زنجبیل، مرچ هندی، برگ زیتون و زردچوبه. مارچوبه، بامیه و زعفران نیز روش‌های درمانی گیاهی فوق‌العاده هستند.

کم‌آب شدن بدن نیز گاهی می‌تواند موجب بالا رفتن فشارخون بدن شود و نوشیدن



حداقل ۸ لیوان آب در روز می‌تواند از آن جلوگیری کند. آب به فرایندهای مهمی در بدن کمک می‌کند که سموم را از بدن بیرون می‌کند. مرکبات (مانته، لیمو، کینو و...) سرشار از ویتامین هستند و بعضی از آن‌ها خاصیت ضد التهابی نیز دارند و از لخته شدن خون جلوگیری می‌کنند.

برای پایین آوردن فشارخون چه نباید بخورید؟

باید از مواد غذایی چرب و پرکلسترول که فشارخون را بدتر می‌کنند اجتناب کنید.

سعی کنید مصرف سدیم، شیرینی‌ها، کافئین و گوشت را کاهش دهید.

بیشتر ورزش کنید؛ زیرا افرادی که از نظر جسمی فعالیت چندانی ندارند و سبک زنده‌گی نشسته دارند، بیشتر به فشارخون مبتلا می‌شوند.

از مصرف گیاهانی مثل شیرین‌بیان، افدرین، رزماری و جینسنگ خودداری کنید.

مصرف الکل و نیکوتین نیز به بالا بردن فشارخون کمک می‌کنند.

تا جایی که می‌توانید سعی کنید کمتر استرس داشته باشید که البته دوری از آن چندان راحت نیست. استرس می‌تواند فشارخون‌تان را بالا ببرد و احتمال بروز بیماری‌های قلبی را افزایش دهد.

سعی کنید کارهای آرامش‌بخش مثل مدیتیشن و یوگا انجام دهید.

دست از غذاهای آماده بیرونی بکشید! غذاهای خانگی کمک می‌کند روی مواد غذایی بی‌خطر در غذای‌تان استفاده می‌کنید و مقدار سدیم، چربی و سایر چیزهایی که برای‌تان ضرر دارند، کنترل داشته باشید. غذاهای کنسروی حاوی مقادیر بالایی سدیم هستند و خیلی‌ها از این مسئله بی‌اطلاع هستند. حتماً قبل از خرید هر ماده غذایی، به برچسب روی آن دقت کنید.

ابوالمعانی

بیدل

«فلسوف»

زمان

عبدالرشید فکرت بخشی

بخش سوم و پایانی

غبار ماضی و مستقبل از حال تو می‌خیزد در امروز است گم، گر واشگافی دی و فردا را کاربست واژگان دی، امروز و فردا را نباید نگاه کمی بیدل به زمان توصیف کرد کما این که بیدل، زمان را که امری کیفی و توصیف‌نشده است، با واحدهای کمی متعارف تبیین می‌کند، چه بیانگری امری ناشناختنی بدون مقارنه آن با ابعاد و کمیت، امکان‌پذیر نخواهد بود. بیدل زمان را همان استمرار حالات درونی می‌بیند و ایست درونی‌اش را همان ایست زمانی می‌خواند کما این که، ثبات درونی با عوامل برونی، ثبات نمی‌یابد چنان‌که تغییر درونی با ثبات برونی، ثابت نخواهد ماند. با این وصف، هیچ قیامتی حال را آینده نخواهد کرد.

هر کجا رفتم نرفتم نیم گام از خود برون صد قیامت رفت و امروز مرا فردا نکرد

دکتر شریعتی از زمره کسانی است که بیشتر از همه، موضوع «الیناسیون» را مطمح نظر داشته و انواع مختلف آن را اعم از «الینه شدن به وسیله هدف»، «الینه شدن به وسیله ماشین» و غیره را نشان‌دهی نموده است، الیناسیون حالتی است که انسان چیز دیگری را - برابر است واقعی باشد یا غیر واقعی - جانشین خود انسانی‌اش نماید و خودش را غیرخودش احساس کند [۶: ۷] و مابعد آن] یا به تعبیر دیگر، الیناسیون همان خودفراموشی است که در معرفت قرآنی ما با خودفراموشی پیوند می‌یابد.

بیدل، از نوع دیگر خودبیگانه‌گی سخن می‌گوید که همان «خودبیگانه‌گی تعلق به فردا» است توضیح این که، الیناسیون انواع گوناگونی دارد که از آن جمله می‌توان از الیناسیون زمانی نام برد. این نوع الیناسیون، زمانی است که واقعیت‌های حال در پی واقعیت‌های جعلی فردا از دست برود و انسان خودش را متعلق به حال واقعی نه، بلکه متعلق به فردای ناواقع‌شده بداند، فردایی که نه تنها واقع نشده بلکه فراتر از آن، واقع نشدنی است.

در این‌جاست که احساس فرداگرایی مفرط و از دست‌دهی امروز، جای‌نشین خود انسانی انسان می‌شود و انسان خودش را متعلق فردای نیامده می‌بیند کما این که حضرت بیدل می‌گوید:

جمله امروزم لیک آن‌سوی فردا رفته‌ایم

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹) ترجمه: مانند کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند پس خدا نیز خودشان را فراموش شان کرد

لفت هر چیز وقف ساز استعداد اوست

بیدل رفتن به فردا را وقف ساز استعداد انسان می‌بیند و در این زمینه، قاعده‌ی کلی طرح می‌کند و آن این که، لفت داشتن با هر چیزی موقوف استعداد است و هرگاه استعداد چیزی وجود نداشته باشد، الفتی در کار نخواهد بود.

رفتم امروز آنقدر از خود که چون فردا شدم فقر آخر سر ز جیب بی‌نیازی‌ها کشیدم برگسن اشتباهی را که در مورد زمان نشان‌دهی می‌کند، در مورد حرکت نیز صادق می‌بیند کما این که حرکت نیز با ابعاد در نظر گرفته شده و با کمیت سنجدیده می‌شود درحالی‌که امری کیفی است و بایست آن را استمرار یا انتقال حالی به حال دیگری دانست چنان‌که می‌گوید: حرکت امری است حقیقی اما حقیقت حرکت آن نیست که مواضع متحرک را نسبت به نقاط مکانی نشان می‌دهد. حقیقت حرکت تغییر حالت و کیفیت است و در نظر برگسن همه تغییر است و همه حرکت است، اما متغیر و متحرکی در کار نیست و تصور حرکت را باید قیاس به نفس نمود که حرکتش به درون‌بینی دریافته می‌شود. در واقع حرکت انتقال چیزی نیست بلکه انتقال حال است. [۵: ۷۱۵]

با این حساب، حساب حرکت، تغییر و زمان روشن‌تر می‌شود و همه اموراتی کیفی و کیفیتانی نفسانی دانسته می‌شوند که نباید در مقارنه با ابعاد معینی سنجدیده شوند. ابوالمعانی بیدل نیز میان حرکت و زمان، نسبتی روشن می‌بیند و احساس تعلق را جلوه‌فروش ماضی و مستقبل می‌خواند.

تعلق می‌فروشد جلوه‌ مستقبل و ماضی تو گر امروز بیرون آیی از خود، نیست فردایی

زنده‌گی موضوع اضداد است، صلح این‌جا کجاست با نفس باقیست تا قطع نفس، پرخاش ما بیدل تبیینی هستی‌شناسانه از صلح و اضداد به دست می‌دهد و زنده‌گی را موضوع اضداد می‌خواند که هیچ صلحی را بر نمی‌تابد و هیچ آرامی ندارد. بیدل بزرگ با طرح این مقدمه، صلح را در نبود نیروهای متخاصم می‌بیند که با توجه به واقعیات متضاد زنده‌گی، امری آرمانی و ذهنی دانسته می‌شود. زنده‌گی در واقعیت قلمروی است که اضداد در عرض هم به ظهور پیوسته و تنازع با نفس، تا قطع نفس دوام دارد. صلح واقعی همانا عدم حضور نیروهای متخاصم در زنده‌گی است ولی با حضور هم‌زمان یزدان و اهرمن که در کیان عالم هستی و از آن‌جمله انسان نهفته است، نمی‌توان به صلح و آرامش دست پیدا کرد.

در مصرع دوم، ابوالمعانی بیدل از پرخاش یا تنازع خودش با نفس آن‌هم تا قطع نفس، گواه می‌آورد تا مدعای خودش را در مصرع نخست، اثبات کرده باشد و با این مقدمه، یکی از عمیق‌ترین رویکردهای فلسفی را به زنده‌گی نشان می‌دهد کما این که نمی‌توان از صلح - یعنی ثبات و استقرار - در حضور نیروهای متخاصم سخن گفت، چه تقابل نیروهای متخاصم، ذاتا دامنه ثبات و استقرار را برمی‌چیند و دیگر مجالی برای صلح در عرض تراحم تضادها فراهم نخواهد بود.



بیدل زنده‌گی را حرکت در میانه کوه و رودخانه می‌بیند و حضور تضادها را عامل ثبات تغییر می‌خواند. شاید وی قبل از هگل (وفات، ۱۸۳۱م) فیلسوف معروف آلمانی به نقش تضادها در تکوین پدیده‌ها توجه داشته و با همان ذهن خلاقانه خودش، حرکت (شدن) را به عدم ثبات و صلح تعبیر کرده که در عرض حضور تضادها، امکانیت و وقوع یافته است.

ابوالمعانی بیدل، حرکت را با زمان و اضداد مرتبط می‌خواند و در باب زمان، ماضی و مستقبل را در یک وصف مشترک می‌بیند و آن همان «ناپیدایی» است؛ کما این که، گذشته و آینده هر دو ناپیدا و ناهویدا اند. سخن گفتن در باب آینده هم چیزی جز افسانه گذشته نیست، چنان‌که دی و فردا را که عمدتاً اموری متقابل خوانده می‌شوند، می‌توان از یک‌دیگر بیرون آورد.

مستقبل این محفل جز قصه ماضی نیست

تا صبحدم محشر دی خفته به فرداها

فلاسفه اسلامی هر حرکتی را دارای زمان مشخصی دانسته‌اند کما این که متناسب با تعداد حرکات عالم، زمان وجود دارد چنان‌که آمده است:

هر حرکتی زمان ویژه خود را دارد؛ همان‌گونه که هر جسمی، حجم خاص خود را دارد. و به دیگر سخن: ما به تعداد حرکات موجود در عالم، زمان داریم؛ و هر زمانی از آن یک حرکت خاص است [۱: ۳۸۶].

ابوالمعانی بیدل نیز نگاهی مشابه دارد.

زمان فرصت هر چیز مغتنم شمرد

که تا به حشر نخواهد شد آن‌چه اکنون شد

حضرت بیدل، به غنیمت شمردن فرصت زمانی هر چیزی توصیه می‌کند. از دیدگاه وی، آن‌چه که اکنون شدنی است جز با اکنون نخواهد شد و هرگاه از اکنون گذشتیم، زمان آن چیز به‌سر رفته است و تا محشر نیز - به دلیل از دست رفتن زمان آن - تحقق نخواهد یافت.

خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه که یاددهانی کردیم، دانسته می‌شود که

ابوالمعانی بیدل، دیدگاهی متفاوت و متمایز به زمان دارد که وی را به‌حق در قطار فیلسوفان زمان قرار می‌دهد. زمان یکی از مباحث ریشه‌دار تاریخی است که تبیین‌های گوناگونی را به همراه داشته است چنان‌که گاهی در مسند خدایی تکیه زده است و زمانی هم مقدار حرکت فلکی شمرده می‌شده است. کسانی هم زمان را «کم متصل غیر قار» تلقی کرده و در مواقعی هم زمان «امری موهوم» و «کیفیتی درونی» شناخته شده است. زمان برای انسان همواره مهم بوده است، شاید به این دلیل که نسبت انسان با زمان متفاوت از نسبت عالم با زمان است.

بیدل زمان را دارای خاستگاهی درونی دانسته و باور دارد که زمان به مثابه حال، امری مستمر و کیفیتی نفسانی است اما از آن‌جایی که این حالت درونی قابل تفسیر با زبانی بسط و اختیاری نیست، ناگزیر در اثر مقارنه زمان با بُعد خاصی، برای آن کمیت در نظر گرفته می‌شود و کمیت‌پذیری آن نیز در مقام اثبات است. کیفی بودن زمان در برخی نگرش‌های معاصر نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است.

بیدل فردا را به عنوان نماد مجسم آینده، امری دست‌نیافتنی و واقع‌نشده می‌خواند که تکاپوی آن تا به ابد تداوم خواهد داشت و در نهایت، جست‌وجوگران فردا نیز همچون فردا دست‌نیافتنی و ابدی خواهند شد. اما معطوف شدن یک‌سره به فردا سبب می‌شود که واقعیت‌های حال در پی واقعیت‌های جعلی فردا از دست برود و انسان خودش را متعلق به فردای ناواقع‌شده بداند، فردایی که نه تنها واقع نشده بلکه فراتر از آن، واقع نشدنی است.

فلاسفه اسلامی از جمله الکندی و ابن‌سینا زمان را فارغ از حرکت شناخت‌پذیر نمی‌دانند و اصولاً زمان بدون حرکت و حرکت بدون زمان نامتصور خوانده‌اند. ابوالمعانی بیدل نیز بر تناظر زمان و حرکت واقف است با این تفاوت که رفتن از خود ناقص تا خود کامل یا به تعبیری از خود رفتن معنوی را نیز نوعی حرکت دانسته و آن دیرمینه واحدهای زمانی دی، امروز و فردا، توصیف می‌کند.

بیدل زنده‌گی را حرکت در میانه کوه و رودخانه می‌بیند و حضور تضادها را عامل ثبات تغییر می‌خواند. وی حرکت را با زمان و اضداد مرتبط دانسته، ماضی و مستقبل را در یک وصف مشترک می‌بیند که همان «ناپیدایی» است کما این که، گذشته و آینده هر دو ناپیدا و ناهویدا اند و سخن گفتن در باب آینده هم چیزی جز افسانه گذشته نیست، چنان‌که دی و فردا را که عمدتاً اموری متقابل خوانده می‌شوند، می‌توان از یک‌دیگر بیرون آورد.

حضرت بیدل، به غنیمت شمردن فرصت زمانی هر چیزی توصیه می‌کند و از این نگاه، نگاهی همچون با فلاسفه اسلامی دارد. از دیدگاه وی، آن‌چه که اکنون شدنی است، جز با اکنون نخواهد شد و هرگاه از اکنون گذشتیم، زمان آن چیز به‌سر رفته است و تا محشر نیز - به دلیل از دست رفتن زمان آن - تحقق نخواهد یافت. با آن‌چه گفته آمدیم، تفاوت و تمایز دیدگاه ابوالمعانی بیدل با سایر اندیشمندان و فلاسفه، روشن‌تر و نسبت وی با زمان شفاف‌تر شده است. بیدل بحری بی‌کران یا به تعبیر استاد سلجوقی «دایره‌المعارف» است که کمترین مسأله را فرو نگذاشته و بحث زمان، بخش کوچکی از اندیشه‌های وی را شکل می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. شیروانی، دکتر علی: ۱۳۷۸ هـ. ش، کلیات فلسفه، چاپ دوم (ایران: قم - انتشارات دارالفکر)
۲. اخلاق، دکتر سید حسن: ۱۳۸۶ هـ. ش، از مولانا تا نیچه، چاپ اول (ایران: قم - سلوک جوان)
۳. رضا امینی و دیگران: ۱۳۸۸ هـ. ش، جستارهایی در کلام جدید، چاپ دوم، (ایران: قم)
۴. رحیمیان، دکتر سعید: ۱۳۸۸ هـ. ش، مبانی عرفان نظری، چاپ دوم (ایران: تهران - سمت)
۵. فروغی، محمدعلی: ۱۳۸۸ هـ. ش، سیر حکمت در اروپا، چاپ پنجم (ایران: تهران - زوار)
۶. شریعتی، دکتر علی: ۱۳۸۶، انسان بی‌خود، چاپ اول (ایران: تهران - بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی)
۷. حنافاخوری و خلیل‌جر: ۱۳۹۰ هـ. ش، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، مترجم: عبدالمحمد آیتی، چاپ نهم (ایران: تهران - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)
۸. بیدل، ابوالمعانی مرزا عبدالقادر: ۱۳۸۶ هـ. ش، دیوان بیدل دهلوی، تصحیح: اکبر بهادرآوند، چاپ اول (ایران: تهران - موسسه انتشارات نگاه)
۹. بدیرعون، دکتر فیصل: ب ت، الفلسفة الإسلامية فی المشرق، ب ط (مصر: قاهره - دارالتقافة للنشر والتوزيع)

روز نخست

صد روز تداوم بی تحول

شفیق شرق

۱۰۰ روز از عمر حکومت وحدت ملی گذشت، نه تحول آمد و نه اصلاحات. ۱۰۰ روز نخست؛ ۱۰۰ روز توقف، ۱۰۰ روز انتظار، ۱۰۰ روز تعطیلی اداره‌ها، ۱۰۰ روز حکومت سرپرست‌ها، ۱۰۰ روز شعار میان‌تهی زمامداران و ادامه جنگ و ناامنی و ناامیدی، ۱۰۰ روز سردرگمی و ۱۰۰ روز عقب‌گرد بود!

پرسش این‌جاست که این وضعیت نابسامان، تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟ آیا تحول و اصلاحات به میان می‌آید و تداوم می‌یابد، یا تداوم بی‌تحول، زمینه را برای ناکامی و توقف فراهم می‌سازد؟

شاید هنوز طرح مسأله ناکامی مطلق و ناکارایی حکومت وحدت ملی، پیش از وقت باشد. هنوز انتظار مردم، تا اندازه‌ی باقی‌ست و همه دیده به راه اند تا رهبران حکومت وحدت ملی، لجبازی‌ها و کش‌وقوس‌های ناشی از اختلاف بر سر تقسیم قدرت را کنار بگذارند و ثابت بسازند که وعده‌های آن‌ها در دوره کارزارهای انتخاباتی، شعارهای میان‌تهی و مردم‌فریبانه نبوده است و تحول و اصلاحات، در عمل پیاده خواهد شد.

رهبران حکومت وحدت ملی باید درک کنند که تداوم وضعیت زجرآور ۱۰۰ روز نخست، انتظار همه‌گانی را به انزجار و نفرت سرتاسری مبدل می‌سازد و تداوم این وضعیت، سوال ناکارایی و ناکامی این حکومت را در سطح داخلی و بین‌المللی مطرح خواهد ساخت.

در روزهای نخست تشکیل حکومت وحدت ملی، مردم افغانستان، پایان ۱۳ سال حکومت‌داری مصلحت‌اندیشانه و فسادزای حامد کرزی را به فال نیک گرفتند و امیدواری‌ها برای بهبود آینده، به گونه بی‌سابقه‌ی بلند رفته بود. خاطره‌های بدی که مردم از ۱۳ سال حکومت‌داری کرزی دارند، هنوز برای‌شان اجازه نمی‌دهد تا مقوله «یاد کفن کش سابقه بخیر» را به زبان بیاورند و باعث خشونودی حلقاتی شوند که ۱۳ سال فرصت‌های طلایی مردم افغانستان را به هدر دادند و عالمی از زشتی‌ها و گندهای تاریخی را در تمامی زمینه‌ها به میراث گذاشتند.

رهبران حکومت وحدت ملی باید به خود بیایند

و بدانند که ادامه وضعیت فعلی، انتظار همه‌گانی را به انزجار سرتاسری تبدیل می‌کند و آن‌گاه، گروه‌های در کمین نشسته، بار دیگر زبان تشنه قدرت بدر خواهند کرد و با شعارهای عوام‌فریبانه، کشور را در مسیر دیگری قرار خواهند داد. ظاهراً سه دلیل عمده باعث ایجاد و تداوم بن‌بست فعلی شده است:

۱- اختلاف شدید میان تیم محمد اشرف غنی بر سر تقسیم کرسی‌هایی که سهم‌شان در حکومت وحدت ملی بوده است. شماری از افراد حامی آقای غنی پس از تشکیل حکومت وحدت ملی سخت فزون‌خواه شده‌اند و برای به دست آوردن امتیازات بیشتر، دست و پا می‌زنند و مانع تشکیل کابینه می‌شوند.

۲- اختلاف بر سر مواد توافق‌نامه ایجاد حکومت وحدت ملی میان هر دو تیم تشکیل دهنده این حکومت.

۳- مداخله کرزی و دار و دسته‌اش در چه‌گونه‌گی تشکیلی کابینه و مداخلات پنهان شماری از کشورهای خارجی در این روند.

بدون تردید، دلایل پنهان دیگری نیز وجود دارد که تاکنون به بیرون درز نکرده است.

رهبران حکومت وحدت ملی باید بدانند که هیچ راهی جز تطبیق بلا قید و شرط مواد توافق‌نامه حکومت وحدت ملی برای شکستن بن‌بست کنونی وجود ندارد و هرگونه انکار و یا تلاش برای نادیده گرفتن بخش‌هایی از توافق‌نامه، وضعیت را به سوی کشمکش‌های تازه رهنمون خواهد ساخت.

به نظر می‌رسد برخی‌ها، هنوز مفهوم حکومت وحدت ملی را به‌درستی درک نکرده‌اند و یا تجاهل می‌ورزند. حکومت وحدت ملی، قالبی پذیرفته‌شده برای پایان بن‌بست انتخاباتی در کشورهاست و تقسیم ۵۰/۵۰ قدرت میان دو گروه تشکیل‌دهنده این گونه حکومت، یک اصل است و هرگونه کارشکنی و تخلف از توافق‌نامه ایجاد حکومت وحدت ملی، زمینه را برای عقب‌گرد فراهم می‌سازد و بحرانی وسیع‌تر از بحران انتخاباتی را به میان می‌آورد.

از سوی دیگر، نفی توافق‌نامه حکومت وحدت

ملی به هیچ صورت برای رأی‌دهنده‌گان و حامیان هر دو تیم، مورد قبول نیست؛ زیرا همه کسانی که در انتخابات بی‌برنده و بی‌بازنده ۱۳۹۳ شرکت کردند و رأی دادند، انتظار حضور فعال رهبران‌شان را در تقسیم قدرت دارند و می‌خواهند حکومت وحدت ملی به معنای واقعی آن تحقق یابد و هیچ فرد و یا گروهی، خود را زمام‌دار مطلق نشمارد. برای مردمی که رأی داده اند، به هیچ‌وجه حق تلفی و نادیده انگاشتن قابل تحمل نیست و مردم با نظارت دقیق اوضاع، حساب‌گیر اند و حساب خواهند خواست.

مردم انتظار دارند تا با تطبیق توافق‌نامه ایجاد «حکومت وحدت ملی» هرچه عاجل کابینه معرفی شود و به بن‌بست فعلی پایان داده شود. معرفی نشدن کابینه در خلال ۱۰۰ روز پس از تشکیل حکومت وحدت ملی، نقض صریح قانون است و کارشکنی و سهل‌انگاری آشکار.

رهبران حکومت وحدت ملی باید بدانند که راه درازی در پیش است و اگر چنین لرزان و آهسته قدم بردارند، کار مؤثری برای مردم افغانستان انجام نخواهد شد.

مردم از حکومت وحدت ملی انتظار بهبود وضعیت اقتصادی، اداری و پایان نابسامانی به میراث مانده از دوره‌های گذشته را دارند، نه توقف و بی‌برنامه‌گی را. مردم انتظار دارند حکومت وحدت ملی با فساد مبارزه جدی کند و به سرنوشت هزاران شهروند بی‌کار، هرچه زودتر رسیدگی شود.

فرصت آن رسیده است تا رهبران حکومت وحدت ملی با قاطعیت و جدیت تمام دست به کار شوند و در امر تصمیم‌گیری، از خود شجاعت نشان دهند. پابندی رهبران حکومت وحدت ملی به مواد توافق‌نامه ایجاد این حکومت و تطبیق بلا قید و شرط آن، می‌تواند بن‌بست فعلی را بشکند. در عین حال، بر رهبران حکومت وحدت ملی است تا بیش از این، به مهره‌های سوخته اجازه ندهند تا روند حکومت‌داری را مختل سازند، آب را گل‌آلود کنند و بار دیگر ماهی بگیرند.

نمود. آقای غنی، مرگ او را یک ضایعه خوانده است.

دکتر عبدالله نیز در پیامی گفته که عزیزالله لودین از فرزندان اصیل کشور بود و در راستای خدمت به افغانستان از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

دکتر عبدالله در این پیام گفته که او از دوران جهاد به دین‌سو در موقعیت‌های متفاوت برای کشورش خدمت کرده است.

بود.

بر نیروها و نخبگان سیاسی - مدنی به خصوص قشر اندیشه‌ورز کشور در داخل و خارج نظام است تا دست به دست هم داده در راستای موفقیت پروسه تشکیل دولت وحدت ملی تلاش هماهنگ نمایند تا کشور از مرحله مرگ و زنده‌گی موفقانه گذار نماید. با همگرایی میان خودماست که ضرورت تشکیل دولت وحدت ملی از چارچوب استراتژی‌های بزرگ بیرون می‌شود و بومی می‌گردد، مردم باورمند می‌گردند و نظام را از آن خود می‌خوانند.

برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

اعتراف انگلیس درباره جنگ افغانستان:

۱۸۶ غیرنظامی را کشته

و ۴ هزار خانه را ویران کرده‌ایم



وزارت دفاع انگلیس با انتشار بیانیه‌ی آماری از ۸ سال جنگ خود در افغانستان، اذعان کرد که ۱۸۶ غیرنظامی را به اشتباه به قتل رسانده و ۴ هزار خانه افغانی‌ها را ویران کرده است.

این آمار که با استناد به قانون افشای اطلاعات محرمانه در انگلیس منتشر شده، فاش می‌کند که بیشتر کشته شده‌گان غیرنظامی هستند و تعداد زیادی کودک، زن و افراد سالخورده در بین آنها دیده می‌شود که یا به دلیل اشتباه در تبادل آتش با نیروهای انگلیسی با طالبان کشته شده‌اند و یا در حملات هوایی و توپخانه‌ی ارتش انگلیس جان خود را از دست داده‌اند.

بنابر این گزارش، ده‌ها غیرنظامی نیز به اشتباه و به این دلیل که نظامیان انگلیسی گمان می‌کردند که با خود سلاح حمل می‌کنند هدف تیراندازی قرار گرفته و کشته شدند. در این بیانیه آمده است که انگلیس به طور متوسط برای هر شهروند افغانی که به اشتباه کشته شده است ۳ هزار پوند غرامت پرداخت کرده است که این مبلغ در مقایسه با شهروندان انگلیسی که به اشتباه کشته می‌شوند، بسیار ناچیز است.

براساس این گزارش، حملات اشتباهی نیروهای انگلیسی در این ۸ سال همچنین به تخریب یا وارد آمدن آسیب جدی به ۴ هزار خانه شهروندان افغانستان منجر شده است.

وزارت دفاع انگلیس از زمان ورود به افغانستان ۴.۲ میلیون پوند به عنوان غرامت برای واردآوردن آسیب به تاسیسات این کشور پرداخت کرده است و در مجموع ۵۷۰ میلیون پوند نیز به عنوان غرامت به خانواده غیرنظامیان کشته شده داده است.

ارتش انگلیس همچنین ۳۰۷ هزار پوند نیز به نزدیک به ۲۰۰ غیرنظامی افغانی پرداخت کرده است که به دلیل حملات انگلیس آسیب دیده‌اند. بنابراین گزارش بیشترین کشته‌های حملات اشتباهی نیروهای انگلیسی به سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ برمی‌گردد و برای مثال تنها در یک حمله اشتباه نیروهای انگلیسی بیش از ۴۰ شهروند غیرنظامی کشته شدند.

صد روزی که در سفر...

همچنان شی جین پینگ در دیدار با رییس جمهور افغانستان وعده کمکی به ارزش ۵۰۰ میلیون یوان، معادل ۸۲ میلیون دالر را به افغانستان، تا پایان سال جاری میلادی داد و گفت در سالهای آینده میزان این کمکها تا یک و نیم میلیارد یوان افزایش خواهد یافت. او همچنین وعده سپرد که کشورش در پنج سال آینده، ۵۰۰ بورس تحصیلی در اختیار دانشجویان افغانستان قرار خواهد داد و علاوه بر آن به ۳۰۰۰ کارمند دولت افغانستان در زمینههای تخصصی و ارتقای ظرفیت آموزش خواهد داد.

اشتراک در کنفرانس لندن سومین سفر خارجی رییس جمهور غنی محسوب می شود.

جامعه بین المللی در کنفرانس لندن اعلام کرد که افغانستان پس از خروج نیروهای بین المللی تنها گذاشته نمی شود و رییس جمهور اشرف غنی نیز از جامعه بین المللی خواست تا افغانستان را رها نکنند. کشورهای کمک کننده به افغانستان در کنفرانس بین المللی در لندن تاکید کردند که پس از خروج سربازان خارجی در کنار افغانستان خواهند ایستاد و همچنان میلیونها یورو در اختیار این کشور قرار خواهند داد و رییس جمهور اشرف غنی، در مقابل این کمکهای مالی اطمینان داد که حکومت افغانستان علیه فساد مبارزه می کند و اصلاحات سیاسی را به اجرا در می آورد.

به دنبال کنفرانس لندن، در سال ۲۰۱۲ یک کنفرانس کشورهای کمک کننده به افغانستان در توکیو برگزار شد که در بدل اصلاحات تجویز شده به افغانستان وعده میلیاردها یورو کمک نمود تا امروز بیش از ۹۰ درصد بودجه افغانستان توسط کشورهای خارجی تمویل می شود.

چهارمین سفر دکتر غنی به پاکستان بود که بدون دست آورد خوانده شده است:

در سفر دو روزه اشرف غنی به پاکستان، سران هر دو کشور بر مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی تاکید کردند. محمد اشرف غنی، که در رأس یک هیات عالی رتبه دولتی، به پاکستان رفته بود، با نواز شریف نخست وزیر، راحیل شریف رییس ستاد مشترک ارتش، سرتاج عزیز مشاور امنیتی و خارجی و همچنین مولانا فضل الرحمن، رهبر جمعیت علمای اسلامی پاکستان در پشت درهای بسته دیدار کرد، اما جزئیاتی از گفت و گوهایی انجام شده در اختیار رسانهها قرار نگرفت.

سفر اشرف غنی به پاکستان به درخواست جنرال راحیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان که به افغانستان سفر کرده صورت گرفت. او گفته بود که کشورش می خواهد فصل جدیدی از دوستی را با افغانستان باز کند و از آقای غنی خواسته بود که به پاکستان سفر کند. در همین حال، سومین هدف رییس جمهور غنی در باب سیاست خارجی، سفر به پاکستان بود. کشوری که ثبات و تاحدی مسایل اقتصادی ما به نوع نگاه و سیاستش در قبال افغانستان گره خورده است.

این نخستین سفر رییس جمهور غنی پس از رییس جمهور شدنش به پاکستان بود و او پیش از این به عربستان سعودی و چین نیز سفر کرده بود، دو کشوری که نفوذ فوق العاده ای بر پاکستان دارند.

نواز شریف نخست وزیر پاکستان در دیدار با غنی از طرح صلح رییس جمهور غنی حمایت کرد و افغانستانی بآبنا، متعهد و سعادت مند را به سود منافع ملی پاکستان تعریف کرد.

آخرین سفر خارجی دکتر غنی شرکت در کنفرانس سارک بود. آخرین سفر اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان برای شرکت در هجدهمین اجلاس سارک کشورهای عضو سازمان همکاریهای منطقه ای جنوب آسیا، به نپال رفته بود.

در این اجلاس با وجود امضا چندین موافقت نامه تجاری میان افغانستان و پاکستان، مشکلات تاجران افغانستان همچنان لاینحل باقی ماند؛ بنابراین می توان گفت که سفر دکتر غنی به اجلاس سارک کشورهای عضو سازمان سارک مانند سفر پاکستان بدون دست آورد بود.

نخستین سفر یک مقام بلند پایه ترکیه به افغانستان:

و اما رییس جمهوری ترکیه برای ملاقات با رهبران جدید افغانستان پس از روی کار آمدن دولت وحدت ملی به کابل سفر کرد و در این سفر رهبران دو کشور همکاریهای خود در حوزههای مختلف از جمله اقتصادی و نظامی پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان در پایان سال جاری میلادی مورد بحث و بررسی قرار دادند.

رجب طیب اردوغان در سفر یک روزه به افغانستان، به مردم افغانستان وعده سپرد که آنان را در راستای مبارزه با تروریسم و برنامه مذاکره با طالبان همکاری خواهد کرد.

ترکیه از سال ۲۰۰۷ میزان نشست سه جانبه افغانستان، ترکیه و پاکستان است که وظیفه اش دستیابی به صلح در افغانستان و تنش زدایی در مناسبات کابل و اسلام آباد است.

دکتر غنی در نخستین سفر داخلی اش به هرات رفت:

اشرف غنی در نخستین سفر داخلی اش به هرات، رییس دادگاه استیناف هرات، رییس مواد نفتی، رییس برق، رییس گمرک، رییس معارف و قوماندانان امنیه ولسوالیهای پانزده گانه هرات را از وظایفشان برکنار کرد.

اشرف غنی هدف اصلی خویش از سفر به هرات را بررسی وضعیت امنیتی، فساد اداری و حکومت داری در این ولایت عنوان کرده است. او همچنان به ولایت پکتیکا در جنوب کشور نیز سفر کرده است. آقای غنی در این سفر با بازماندگان رویداد خونین ولسوالی یحیاییل دیدار و گفت و گو کرد. در حمله مرگبار انتحاری در جریان مسابقه والیبال در ولسوالی یحیاییل دست کم پنجاه تن کشته شدند و ۶۰ دیگر زخم برداشتند.

برخی تحلیلگران با انتقاد از سفرهای رییس جمهوری گفته اند که بهتر بود آقای غنی در نخست به جمع و جور کردن وضعیت داخلی کشور می پرداخت و سپس سفرهایش را آغاز می کرد. آنان گفته اند که رییس جمهوری، وعده سپرده بود که در صد روز اول چهره متفاوت از جامعه افغانستان ارایه می کند، کاری که به گفته آگاهان نه تنهاهیچ اتفاق نیافتد، بل وضعیت بدتر از گذشته شد.

آنان گفته اند که رهبران دولت وحدت ملی در صد روز نتوانستند کابینه خویش را تشکیل دهند، چه رسد به این که در راستای تغییر و اصلاحات در زندگی مردم گامی را بردارند.

بزرگترین کارکردهای دولت وحدت ملی: و اما تنها کارکرد دکتر غنی در صد روز حکومت داری معرفی چند مشاور اقتصادی، حقوقی، تعیین رییس کرکت برد و برکناری چندین مقام در ولایت هرات بوده است!

معرفی نشدن کابینه، بدتر شدن وضعیت امنیتی پس از ایجاد دولت وحدت ملی و سکوت دکتر غنی در مورد برکناری اعضای کمیسیونهای انتخاباتی که جزو موافقت نامه تشکیل دولت وحدت ملی به حساب می آید، مردم را به شدت نگران ساخته و سبب سردرگمی و بی نظمی در نهادهای دولتی شده است.

چهار شورشی طالب در کاپیسا کشته شدند



مقامهای محلی ولایت کاپیسا می گویند که چهار شورشی طالب به شمول یک فرمانده آنان در عملیات نیروهای پولیس در این ولایت، کشته شدند.

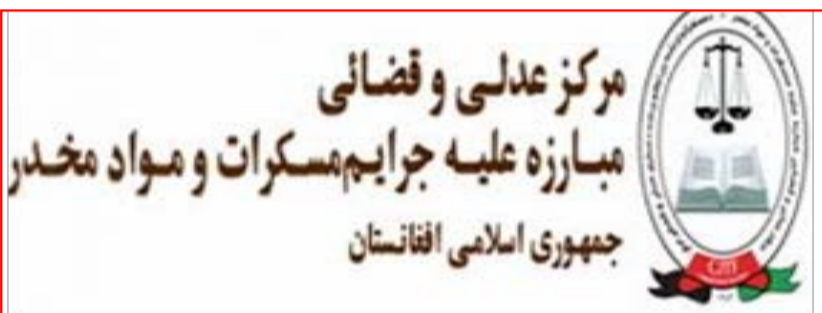
فقیر احمد صدیقی، فرمانده پولیس این ولایت می گوید که این طالبان پس از چاشت دیروز در یک عملیات ویژه نیروهای پولیس ملی در دره افغانیه ولسوالی نجراب این ولایت، کشته شدند.

این مقام پولیس می گوید که این عملیات برای پاکسازی طالبان در این منطقه راه اندازی شده بود. گفته می شود که در این عملیات به غیرنظامیان و نیروهای پولیس آسیب نرسیده است.

طالبان تاکنون در باره این عملیات چیزی نگفته اند.

نجراب یکی از ولسوالیهای ناامن این ولایت به شمار می رود که شورشیان طالب در آن فعالیت هراس افکنانه دارند و نیروهای امنیتی افغانستان را آماج قرار می دهند.

۷۶ نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر در کشور بازداشت شده اند



افراد به طور مجموعی بیش از ۴۱۴ کیلوگرم هیروین ۶ تن مورفین، بیش از ۵ تن تریاک و در حدود ۸۶۰ لیتر مشروبات الکولی بدست آمده است.

در اعلامیه هم چنین آمده است که این قاچاقبران را از ولایات مختلف افغانستان بازداشت کرده اند.

گفتنی است که مسولان در وزارت مبارزه علیه مواد مخدر از افزایش قاچاق این مواد در کشور خبر داده اند.

مسولان مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم و مواد مخدر می گویند که ۷۶ نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر از ولایات مختلف کشور بازداشت شده است.

بر بنیاد اعلامیه ای که از سوی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم و مواد مخدر به نشر رسیده؛ آمده است که ۷۶ تن را به اتهام قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکولی در ولایت مختلف کشور دستگیر کرده اند. در اعلامیه آمده است که از نزد این



جرارد:

اگر راجرز ۱۰ سال زودتر آمده بود، قهرمان لیگ شده بودیم



کاپیتان لیورپول بر این باور است که اگر سرمربی کنونی این تیم ۱۰ سال زودتر به آنفیلد آمده بود، او قهرمانی در لیگ برتر را هم کسب کرده بود. استیون جرارد روز جمعه اعلام کرد در پایان فصل قصد ترک لیورپول را دارد. او که تمام دوران فوتبالش را در آنفیلد گذرانده است، به احتمال زیاد راهی لیگ حرفه ای آمریکا خواهد شد. جرارد در دوران حضور در لیورپول تمامی جام ها را کسب کرده و تنها قهرمانی در لیگ برتر انگلیس است که هنوز در ویرترین افتخارهایش ندارد. وی در این زمینه به سایت رسمی باشگاه لیورپول گفت: دوست داشتم وقتی ۲۴ ساله بودم راجرز به لیورپول می آمد. در این صورت حالا می توانستم اینجا بنشینم و در مورد تمام جام های که با او کسب کرده ام حرف بزنم. حقیقت این است که راجرز زمانی که من ۳۳ ساله بودم به آنفیلد آمد. از این که حضور او اقتدر دیر بود ناراحتم. راجرز با مربیگری خود توانست انگیزه زیادی به بازیکنان لیورپول بدهد. او از لوئیس سوارس یک مهاجم خطرناک ساخت و قرمزها را به یکی از مدعیان لیگ برتر انگلیس بدل کرد. شکست دو بر صفر آنها مقابل چلسی در هفته های پایانی بود که قهرمانی را از لیورپول گرفت.

میلیتو:

مانچینی راه بردن یوونتوس را بلد است

مهاجم پیشین اینتر تاکید کرد، سرمربی جدید نراتزوری شیوه شکست دادن صدرنشین کالجو را بلد است. روبرتو مانچینی که چندی پیش و پس از اخراج والتر ماتزارزی از مربیگری در اینتر، هدایت این تیم را برای بار دوم به دست گرفت، تاکنون توانسته است تغییرات مهمی در شیوه نمایش این تیم ایجاد کند. دیگو میلیتو که پیشتر زیر نظر مانچینی در اینتر کار می کرد با یادآوری پیروزی سه بر دوی این تیم مقابل یوونتوس در مرحله یک چهارم نهایی کوپا ایالتی در تورین اعلام کرده روبرتو مانچینی راه شکست دادن یووه را بلد است. وی در این زمینه گفت: هر بازی شرایط خودش را دارد. مهم این است که یک تیم ذهنیت پیروزی داشته باشد. ما در آن دیدار مقابل یوونتوس به شکلی بازی کردیم که آنها را غافلگیر کرد. این یک خاطره بسیار خوب برای من است از ورزشگاهی که هیچ تیمی نتوانسته بود در آن بیانگوتری را شکست دهد. ما به رکورد ۴۹ بازی بدون شکست آنها پایان دادیم. اینتر اکنون مانچینی را روی نیمکت خود دارد. مربی باتجربه ای که توانایی تفسیر فوتبال را دارد. نراتزوری پیشتر هم یوونتوس را در تورین شکست داده است. مانچینی راه غلبه بر یووه را بلد است. میلیتو در ادامه اعلام کرد اینتر می تواند در لیگ اروپا هم موفق ظاهر شود و در پایان فصل کالجو هم بین سه تیم برتر قرار بگیرد. وی در این باره هم اظهار داشت: می دانم و امیدوارم که اینتر توانایی قرار گرفتن در بین سه تیم برتر لیگ را دارد. وقتی پیراهن اینتر را به تن می کنید، باید تلاش کنید تا به همه اهدافتان در طول فصل برسید. این تیم همچنین می تواند در لیگ اروپا هم قهرمان شود. یوونتوس هنوز هم قوی ترین حریف است و رم هم بدون شک تا پایان فصل برای رسیدن به قهرمانی می جنگد.

دل بوسکه:

سبک بازی خود را تغییر داده ایم

بوسکه بپردازد اما این مربی باتجربه به آینده امیدوار است. او گفت: فراموش نکنید که ما قهرمان دور قبل هستیم با این حال باید اعتراف کنم که کار سختی برای صعود به رقابت های یورو ۲۰۱۶ داریم. ما قهرمان دور قبل هستیم اما این بدین معنا نیست که بعضی از حقایق را مد نظر قرار ندهیم و تیم ها را دست کم گیریم. او ادامه داد: شکست برابر اسلواکی کار ما را سخت کرد این در حالی است که هنوز برابر اوکراین به میدان نرفته ایم و این دیدار بدون شک سخت خواهد بود. هنوز شش دیدار دیگر پیش رو داریم و به خوبی می دانیم که کار سختی برای صعود داریم. تلاش می کنیم تا در دیدارهای آینده اشتباهات خود را کم کنیم و بازی بی نقصی را برابر حریفان به نمایش بگذاریم. این را هر کسی می داند که راهیابی به مرحله نهایی جام ملت های اروپا برای هر تیمی سخت است.



دل بوسکه در پایان سخنان خود درباره تغییر تاکتیکی تیمش گفت: تا حدودی در سبک بازی خود تغییراتی را ایجاد کرده ایم. به جای بازی با سه مهاجم الان از دو مهاجم استفاده می کنیم. می خواهیم با نفرات بیشتر حمله کنیم تا مشکلی برای گلزنی نداشته باشیم. بوسکه بپردازد اما این مربی باتجربه به آینده امیدوار است. او گفت: فراموش نکنید که ما قهرمان دور قبل هستیم با این حال باید اعتراف کنم که کار سختی برای صعود به رقابت های یورو ۲۰۱۶ داریم. ما قهرمان دور قبل هستیم اما این بدین معنا نیست که بعضی از حقایق را مد نظر قرار ندهیم و تیم ها را دست کم گیریم. او ادامه داد: شکست برابر اسلواکی کار ما را سخت کرد این در حالی است که هنوز برابر اوکراین به میدان نرفته ایم و این دیدار بدون شک سخت خواهد بود. هنوز شش دیدار دیگر پیش رو داریم و به خوبی می دانیم که کار سختی برای صعود داریم. تلاش می کنیم تا در دیدارهای آینده اشتباهات خود را کم کنیم و بازی بی نقصی را برابر حریفان به نمایش بگذاریم. این را هر کسی می داند که راهیابی به مرحله نهایی جام ملت های اروپا برای هر تیمی سخت است. دل بوسکه در پایان سخنان خود درباره تغییر تاکتیکی تیمش گفت: تا حدودی در سبک بازی خود تغییراتی را ایجاد کرده ایم. به جای بازی با سه مهاجم الان از دو مهاجم استفاده می کنیم. می خواهیم با نفرات بیشتر حمله کنیم تا مشکلی برای گلزنی نداشته باشیم. بوسکه بپردازد اما این مربی باتجربه به آینده امیدوار است. او گفت: فراموش نکنید که ما قهرمان دور قبل هستیم با این حال باید اعتراف کنم که کار سختی برای صعود به رقابت های یورو ۲۰۱۶ داریم. ما قهرمان دور قبل هستیم اما این بدین معنا نیست که بعضی از حقایق را مد نظر قرار ندهیم و تیم ها را دست کم گیریم. او ادامه داد: شکست برابر اسلواکی کار ما را سخت کرد این در حالی است که هنوز برابر اوکراین به میدان نرفته ایم و این دیدار بدون شک سخت خواهد بود. هنوز شش دیدار دیگر پیش رو داریم و به خوبی می دانیم که کار سختی برای صعود داریم. تلاش می کنیم تا در دیدارهای آینده اشتباهات خود را کم کنیم و بازی بی نقصی را برابر حریفان به نمایش بگذاریم. این را هر کسی می داند که راهیابی به مرحله نهایی جام ملت های اروپا برای هر تیمی سخت است.

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1448 Monday 5 January 2015

DAILY

Mandegar

هشدار از افزایش ناامنی‌ها



جان مک کین سناتور قدرت مند امریکایی در سفرش به کابل در روزهای کریسمس نسبت به افزایش تهدیدات تازه در افغانستان در سال جدید میلادی هشدار داد.
 به گزارش خبرگزاری رشد به نقل از «دیلی رکورد» سناتور جان مک کین گفت حملات طالبان از نوع حمله به یک مدرسه در پیشاور که در آن چندین کودک کشته و زخمی شدند در افغانستان افزایش خواهد یافت.
 این در حالی است که مأموریت نظامی امریکا و ناتو در افغانستان هفته گذشته بعد از ۱۳ سال به پایان رسید و نیروهای افغانستان، امنیت روزانه کشور را به دست گرفتند.
 ۱۳ هزار نیروی نظامی امریکا که در کشور باقی مانده‌اند به همراه ناتو در مأموریت جدیدشان کار آموزش و مشورت‌دهی به نیروهای امنیتی افغانستان را به عهده خواهند داشت.
 جان مک‌کین که احتمالاً رییس کمیته خدمات نظامی سنای امریکا را به عهده خواهد گرفت، اعلام کرد: برای مبارزه با طالبان نیروهای نظامی خارجی بیشتری نیاز است.
 او اظهار داد خطر ناامن شدن افغانستان به دست طالبان نظیر آنچه در عراق اتفاق افتاد وجود دارد.
 سپردن وظایف کلیدی از نیروهای امریکایی و ناتو به نیروهای امنیتی افغانستان در حالی صورت می‌گیرد که افغانستان در یک نقطه حساس امنیتی، سیاسی و اقتصادی به سر می‌برد.
 مک کین تأکید کرد افغانستان در یک تقاطع حساس تاریخی قرار دارد که ممکن است ناامنی‌ها افزایش یابد و دستاوردهای بعد از ۱۱ سپتمبر در افغانستان با تهدید مواجه شود.
 بزرگ‌ترین چالشی که بعد از ترک نیروهای خارجی افغانستان را تهدید می‌کند افزایش خشونت‌های ناشی از طالبان است؛ نیروهای امریکایی و خارجی باقی مانده حمایت‌های مالی و آموزشی خود به ۳۵۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان به شمول

ارتش و پولیس ملی را ادامه می‌دهند اما وضعیت امنیتی افغانستان در هفته‌های آینده بدتر خواهد شد و با پایان یافتن زمستان و به روال سال‌های گذشته که طالبان حملات خود را افزایش می‌دهند حتی بدتر نیز خواهد شد.
 برای کمک به افغانستان در مقابله با این تهدید دولت اوپاما تصمیم گرفت ۱۰۰۰ نیروی امریکایی دیگر را به ۱۰۰۰۰ نیرویی که قبلاً اعلام کرده بود اضافه کند. با این وجود کل نیروهای مشترک امریکا و ناتو که قرار است در افغانستان بمانند، کمتر از یک دوازدهم ۱۴۰ هزار نیروی جنگی خارجی است که در سال ۲۰۱۱ در افغانستان حضور داشت.

نکته دومی که در افزایش ناامنی در افغانستان در سال ۲۰۱۵ نقش دارد مشخص نبودن مدت زمان همکاری افغانستان و پاکستان در مبارزه با طالبان که بعد حمله خونین ۱۶ دسامبر طالبان به یک مدرسه در پیشاور که در آن ۱۴۸ کودک کشته و زخمی شدند شکل گرفت، می‌باشد.
 سومین تهدید برای افغانستان در سال ۲۰۱۵ شکننده بودن دولت وحدت ملی می‌باشد. اگر بنا بر احتمالات ولو حداقل دولت وحدت ملی از هم پاشد، افغانستان با افتادن در دام نفاق، قوم‌گرایی و تفرقه پارچه پارچه خواهد شد.
 چهارمین تهدید، وضعیت نابسامان اقتصادی افغانستان در سال ۲۰۱۵ می‌باشد. از سال ۲۰۰۱ به بعد اقتصاد افغانستان در یک رشد سریع وابستگی خاصی به کمک‌های خارجی پیدا کرده است.

با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، سطح کمک‌ها نیز افت می‌کند چرا که بسیاری از موسسات خارجی زیر چتر امنیتی ناتو و امریکا در افغانستان فعالیت می‌کردند.
 و پنجمین عامل ناامنی بیشتر احتمالی در افغانستان در سال ۲۰۱۵، عدم موفقیت در تغییر الگوهای اقتصادی که از سال ۲۰۰۱، شروع شده می‌باشد. با کاهش کمک‌های خارجی اقتصاد کشور بیش از پیش به صادرات مواد مخدر مانند تریاک و هرویین وابسته خواهد شد.
 با در نظر داشت موارد فوق می‌توان گفت سال ۲۰۱۵، سال توأم با چالش‌های زیادی برای افغانستان خواهد بود، اگرچه روزنه‌های امید نیز وجود دارد که دولت وحدت ملی بتواند با توسعه قدرت مشروعیت خود را گسترش دهد و دستاوردهای ۱۳ ساله را حفظ کند.

اما، با افزایش حملات طالبان در ماه‌های پیش‌رو باید منتظر ناامنی بیشتر و تأثیر منفی آن بر اقتصاد و دولت وحدت ملی بود.

سناتوران:

حادثه سنگین هلمند با دقت بررسی شود



اعضای مجلس سنا ضمن محکوم کردن حادثه ولسوالی سنگین ولایت هلمند، خواستار فرستادن هیأت حقیقت‌یاب به منظور بررسی دقیق این رویداد شدند.

شیرمحمد آخندزاده که به عنوان عضو هیأت مجلس سنا به سنگین هلمند رفته بود، گفت: «هیأت سنا و مجلس نمایندگان یک روز پس از حادثه رفته بود به هلمند، مردم هلمند مظالم کرده و به دروازه ولایت آمده بودند و ما به شفاخانه رفتم و دیدیم که کودکان دو ساله و سه ساله با دست‌های حنا کرده به شدت زخمی شده بودند».

آخندزاده افزود: مردم هلمند از این حادثه بسیار رنج دیده اند.

چهارشنبه هفته گذشته، زمانی که شماری از باشندگان ولسوالی هلمند در یک مراسم عروسی جمع شده بودند؛ مورد هدف راکتی قرار گرفتند که در این حادثه بیش از ۱۰۰ نفر کشته و زخمی شدند. گفته شده که راکت از سوی نیروهای ارتش ملی شلیک شده است.

مقام‌های امنیتی به ویژه مسوولین ارتش ملی در هلمند گفته اند که طالبان به آنان تیراندازی کرده و سپس به محلی که مراسم عروسی در آنجا برگزار بوده؛ فرار کرده اند.

در همین حال، شیرمحمد آخندزاده یادآور شد که مردم سنگین می‌گویند یا حکومت این ولسوالی را از دست طالبان آزاد کند و یا این ولسوالی را به طالبان

بپردازد.
 به گفته او، باشندگان سنگین، خواستار برکناری تمامی مسوولین امنیتی این ولسوالی شده اند و از دولت می‌خواهند که عاملان حمله بر مراسم عروسی را مجازات کند.

از سوی هم، برخی سناتوران خواستار فرستادن یک هیأت حقیقت‌یاب به سنگین شدند.

علی اکبر جمشیدی گفت: «حکومت باید یک هیأت حقیقت‌یاب به هلمند بفرستد تا حادثه سنگین را با دقت بررسی کند».

آقای جمشیدی احتمال داد که می‌شود حادثه سنگین یک توطئه مخالفان برای بدنامی ارتش ملی باشد.

نیروهای ارتش ملی در حالی به هدف قرار دادن غیرنظامیان در یک محفل عروسی متهم می‌شوند که این نیروها از اعتبار و محبوبیت خوبی میان مردم افغانستان برخوردارند.

تروریستان طرح ربودن یک هواپیما را در مسیر هند - کابل ریخته‌اند

کابل از مسیر منحرف نمایند.
 مقام‌ها در فرودگاه هند پس از اعلام این هشدار از سوی استخبارات این کشور تدابیر ویژه امنیتی را روی دست گرفته و به خاطر جلوگیری از این روی‌داد، حتا کارکنان فرودگاه را بررسی می‌کنند.

استخبارات هند می‌گویند این روی‌داد می‌تواند شبیه هواپیماری سال ۱۹۹۹ که مردان تفنگ‌دار یک هواپیمای شرکت هندایریس را ربودند، باشد.

در سال ۱۹۹۹ یک هواپیمای شرکت هندی ایریس که از هند به سوی نیپال می‌رفت توسط مردان تفنگ‌دار از مسیر منحرف شد.

هواپیماریان خلبانان را در چندین محل مجبور به نشست نمودند اما هواپیما نهایتاً در ولایت قندهار، در افغانستان نشست کرد.



سازمان استخباراتی هند معلوماتی را دریافت کرده بر بنیاد آن تروریستان طرحی را به خاطر ربودن یک هواپیما که از دهلی به کابل می‌آید، ریخته‌اند.
 به گزارش تایمز آف هندیا، سازمان استخبارات هند به اطلاعاتی دست یافته‌است که نشان می‌دهد گروهی از تروریستان طرحی را ریخته‌اند تا یک هواپیمای یکی از سه شرکت بزرگ هوایی هند را در راه دهلی -

Mandegar

Mandegar Daily News paper
 روزنامه صبح افغانستان

ماندگار

به اطلاع عموم خواننده‌گان و علاقه‌مندان روزنامه ماندگار رسانیده می‌شود که با آغاز سال نو میلادی، توزیع رایگان این روزنامه پایان می‌یابد. بنابراین از کلیه اشخاص، نهادها و اداراتی که هم‌چنان علاقه‌مند این رسانه نوشتاری هستند، درخواست می‌شود که به اداره روزنامه ماندگار مراجعه و فرم اشتراک دریافت کنند تا از این پس این روزنامه را درب منزل یا دفتر کاری خویش تحویل بگیرند.

روزنامه ماندگار بازرگانی و تبلیغاتی شما را می‌پذیرد					
تست صفحه اول	تست صفحه آخر	تست صفحه داخلی	تست صفحه داخلی	تست صفحه داخلی	تست صفحه داخلی
350\$	500\$	250\$	150\$	400\$	200\$
برای نشر اطلاعات تان به این شماره‌ها تماس بگیرید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰					

روزنامه ماندگار برای سال آینده میلادی و خورشیدی مشترک می‌پذیرد		
پسرای دفاتر	دفاتر خارجی	پسرای دانشجوین و اساتید دانشگاه
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۴۰۰۰ دالر	یک ساله - ۳۰۰۰ افغانی
حساب بشماره روزنامه منتشر در موبند بنگل: Mandegar daily Bank Account in Mawand- Bank: 1001201077988		
برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰		